کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی

بسمه تعالی

# اسراف و تبذیر در معماری

محمدکاظم سیفیان

استادیار دانشکده هنرهای زیبا

گروه آموزشی معماری

( بخش دوم قالب و محتوی درمعماری اسلامی )

همان طور که در قسمت اول مقاله که درشمارهٔ نخست مجله به چاپ رسید بیان شد اصولاً معماری اسلامی درقالب فضا و کالبد هندسی بدون توجه به محتوای آن عنا و مفهوم ندارد؛ و این محتوا آن چیزی است که بر مبنای زندگی اسلامی شکل گرفته باشد. به عبارت دیگر زندگی اسلامی به ما می گوید چه قالبی را انتخاب کنیم. همان طور که برای چگونه زیستن در اسلام دستورهای زیادی داریم، برای ایجاد کالبد و فضای در خور زندگی اسلامی که از آن به عنوان معماری اسلامی یاد می شود باید شرایط لازم که مبتنی بر احکام و دستودهای اسلامی است لحاظ گردد؛ یعنی دقیقاً این شرایط و دستورها بایستی در شکل گیری فضا و کالبد رعایت شود.

در بخش دوم مقاله به یکی از این دستورها که بسیار جدی و پراهمیت است اشاره می شود و آن پرهیز از اسراف و تبذیر است که سعی شده است تأثیرپذیری آن به عنوان یک اصل محتوایی بسیار مهم اسلامی در قالب معماری مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. مقام معظم رهبری نیز در پیام نوروز ۷۵ بر جلوگیری از اسراف و تبذیر تأکید فرمودند. لذا ابتدا اشاره ای خواهیم داشت به کلمهٔ اسراف و تبذیر که در فرهنگ اسلامی از آن به عنوان منهیات یاد می شود. ولی آیا ما در عمل به آن توجه جدی نموده ایم یا نه؟ جواب را شاید بتوان در سیمای شهری خودمان و دیگر کشورهایی که اسلامی نامیده می شوند مشاهده کنیم.

اصولاً اسراف و تبذیر دو واژه ای است که ریشهٔ قرآنی دارد یعنی قبل از اینکه در احادیث و روایات آمده باشد در قرآن به کرات آمده است. آیاتی که دربارهٔ منع اسراف آمده

بیش از آیاتی است که دربارهٔ مذمت و منع تبذیر آمده و شاید دلیل آن این باشد که انسان بیشتر در معرض اسراف است تا تبذیر. زیرا اسراف به معنی تجاوز از حد اعتدال است و تبذیر به معنی ضایع کردن است؛ و احتمال اینکه انسان از حد اعتدال خارج شود بسیار است و می بینیم که در قرآن در بیش از بیست آیه به منع اسراف و مذمت شخص مسرف اشاره شده است.

با توجه به مقدمهٔ فوق، در این بحث سعی شده است فضا و کالبد معماری از بعد تبذیر نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر پرهیز از اسراف و تبذیر به عنوان بعد محتوایی در موضوع قالب و محتوا در معماری اسلامی برای ما دارای اهمیت خاصی است؛ و لذا هر جا که از قالب و کالبد معماری سخن به میان آید منظور قالبی است که بر محتوای منع از اسراف و تبذیر شکل گرفته باشد؛ و بالعکس قالبی که در آن اسراف و تبذیر به عمل آمده است نمی تواند یک الگوی اسلامی باشد که به دلایل آن اشاره خواهد شد.

پی بردن به اسراف و تبذیر به عنوان بعد محتوایی در معماری اسلامی بحث بسیار دقیق و ظریفی است و بدون تخصص فنی و علمی و آگاهی دینی و التزام عملی به مبانی دینی شاید تشخیص آن ممکن نباشد؛ یعنی اظهار نظر دربارهٔ یک اثر معماری از ابعاد مختلف اهم از فضا و احجام هندسی و مواد و مصالح به کار رفته و هزینهٔ انجام شده با توجه به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خصوص در یک نظام که ارکان آن بر مبنای مکتب الهی پی ریزی شده است کار بسیار مهم و دشواری است. لذا انتخاب آن به عنوان یک بعد محتوایی از همین منظر است و امید است که متخصصان متعهد به اسلام چشم اندازهای بیشتری را با توجه به دستورها و احکام اسلامی ( فقهای اسلامی می توانند در این مورد قالب های جدیدی ارائه کنند ) به روی علاقه مندان بگشایند. همان طوری که اشاره شد زندگی اسلامی مشخص کنندهٔ معماری اسلامی است؛ یعنی دستورها و احکام اسلامی مشخص می کند چه قالب و کالبد هندسی را متناسب با اوامر و منهیات که در قالب فقه اسلامی به صورت واجبات و محرمات آمده است انتخات کنیم. حتی برای افرادی که دقت بیشتری نسبت به احکام دارند مستحبات و مکروهات نیز بیان شده که آن نیز می تواند در قالب معماری ما تأثیر بسزایی داشته باشد. فضایی که در آن رعایت مستحبات و مکروهات نیز شده باشد دارای ارزش بیشتری است.

حال منع اسراف و تبذیر را به عنوان یکی از منهیات اسلامی که ریشهٔ قرآنی دارد در قرآن کریم، کتاب وحی الهی، جستجو می کنیم و خواهیم دید که قرآن در آیات متعدد، بسیار جدی با اسراف برخوردکرده است؛ تا جایی که اسراف را در آیه ۱۴۷ از سورهٔ آل عمران

مترادف با گناه شمرده است. البته چون احتمال تبذیر یعنی ضایع کردن برای انسان کمتر است ( یعنی فطرتاً انسان دوست ندارد که چیزی را ضایع کند ) در قرآن هم شاید بیش از سه آیه به آن اشاره نشده است. ولی احتمال اسراف همیشه هست و همان طوری که در آیه فوق مشاهده می شود اسراف مترادف با گناه آمده است؛ یعنی آدم مسرف عیناً گناهکار است و همان طور که برای آمرزش گناه خود بایستی از پروردگار طلب مغفرت کند. یک اثر مسرفانه نه تنها یک اثر اسلامی نیست بلکه یک عمل غیر اسلامی است که بایستی برای چنین عملی استغفار کنیم.

اگر در آیهٔ ۱۴۷ سورهٔ آل عمران: « ربنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین » دقت کنیم برنامه ریزی کاملی برای یک جامعه اسلامی در آن، که به صورت دعا و درخواست از خداوند متعال آمده است، دیده می شود.

گرچه شأن نزول آیه حوادث اُحد است، درسی است برای همهٔ آیندگان که شکست را به عواملی موهوم و مرموز ربط ندهند و سرچشمهٔ موفقیت و شکست را در خودشان جستجو کنند. لذا از تندروی ها، به عنوان اسراف در امور، از خداوند طلب عفو و بخشش کنیم؛ یعنی نقاط ضعفی را که سرچشمهٔ ناکامی ها و شکست است نادیده نگریم و سعی کنیم همهٔ آنها را به عواملی خارجی و بیگانه نسبت ندهیم؛ چون در غیر این صورت هیچگاه به فکر جبران اشتباه ها و برطرف ساختن نقاط ضعف خود برنخواهیم آمد.

شروع و ختم این آیه بسیار آموزنده و برای یک جامعهٔ اسلامی که در معرض توطئه های دشمن است درس بزرگی است. ابتدای آیه با درخواست و طلب عفو و بخشش از خداوند متعال برای گناهان است؛ گناهانی که به خاطر نا آگاهی نسبت به دستورهای دینی است که برای زندگی ما آمده است و یا چنانچه آگاهی داشته ایم به خاطر عدم التزام عملی به آن دستورهاست که در این مرحله هم مرتکب گناه شده ایم و هم مقدمه ای برای مرحله بعدی است که اسراف است. بدون تردید عمل مسرفانه در جامعه ای که در گناه غرق شد بسیار خواهد بود؛ و جامعه ای که اسراف و تبذیر در آن رایج شود خود به خود در معرض خطر بی ثباتی قرار خواهد گرفت. آن جامعه ابتدا ثبات اقتصادی خود را از دست می دهد و سپس در اثر عدم ثبات اقتصادی، ثبات سیاسی متزلزل خواهد شد. مسلماً جامعه ای که ثبات اقتصادی و سیاسی اش را از دست بدهد طعمهٔ ابرقدرتان خواهد شد و دیگر مرگ بر شرق و غرب در همان مرحلهٔ شعار متوقف خواهد شد و کارآیی نخواهد داشت. اگر آیهٔ مذکور را یکبار دیگر مورد دقت قرار دهیم مخصوصاً اگر این بار از آخر آیه شروع به خواندن کنیم، آیه مذکور به ما می گوید که اگر

می خواهید ملت و جامعه ای باشند که برابر قدرت ها و کفار پیروز شوید بایستی ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشید، و اگر می خواهید ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشید بایستی ریشهٔ اسراف و تبذیر در جامعه خشکانده شود؛ و چنانچه می خواهید جامعه ای بدون اسراف و تبذیر داشته باشید هم التزام عملی نسبت به دستورهای دینی. در چنین جامعه ای وقتی شعار مرگ بر شرق و غرب یا و انصرنا علی القوم الکافرین را سر دهیم دعای ما مستجاب می شود و می توانیم در مقابل تمام ابر قدرت ها بایستیم. جامعه ای که به دور از اسراف و تبذیر باشد ضمن داشتن استقلال سیاسی از هر گونه وابستگی اقبصادی که استقلال سیاسی را تهدید می کند برکنار خواهد بود.

بسیاری از وابستگیهای ما به خاطر اسرافکاری است که نمونه های زیادی از آن داریم. حتی این اسرافکاری می تواند در تشکیلات اداری باشد. منظور از تشکیلات اداری تنها خرجهای زائد نیست که بر دولت تحمیل می شود بلکه نظام و سازماندهی ادارات، بعضاً یک عمل مسرفانه است که طبیعی است فشار آن بر بودجهٔ دولت و مستقیم یا غیر مستقیم بر ملت خواهد بود؛ و مسلماً نتیجه آن تهدید ثبات سیاسی و اقتصادی مملکت است. بالعکس اگر در برنامه ریزیهای توسعه، جلوگیری از اسراف و تبذیر را جدی بگیریم ثبات اقتصادی و سیاسی خود را تضمین کرده ایم.

به هر جهت، چون بحث اسراف و تبذیر به عنوان یکی از ابعاد محتوایی در معماری اسلامی است در ساخت و سازها همیشه بودجه های عمرانی ارقام سنگینی را در برمی گیرد که همراه با تورم است، لذا پس از توضیحات فوق در مورد آیهٔ ۱۴۷ سورهٔ آل عمران و ارتباط اسراف با ابعاد سیاسی و اقتصادی جامعه برمی گردیم به ارتباط مستقیم اسراف با فضا و کالبد های معماری که ممکن است از آنها به عنوان معماری اسلامی هم نام برده شود. متأسفانه بایستی اذعان کرد نه تنها در ساختمان های معمولی بلکه بعضاً در ساختمان مساجد نیز اسراف و تبذیر دیده شده است. البته همان طوری که قبلاً ذکر شد برای تشخیص اسراف و تبذیر بایستی از ابزار تخصص علمی و فنی و نیز آگاهی دینی استفاده کرد وگرنه ممکن است در دید عمه این اسراف و تبذیر خیلی نمایان نباشد؛ مثلاً ممکن است اسراف در کاشیکاری ها و یا تعداد و ابعاد پنجره ها یا خود فضا دیده شود. در جایی ممکن است از اسراف گذشته و به تبذیر کشیده شده باشد. سرنوشت مبذیرین هم در قرآن آمده است که « ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین » ( ۲۷ اسراء ) یعنی قرین کفر بودن. چون نتیجهٔ کار شیطان کفر بود. حال آیا

می شود مسجدی را که به عنوان نمونه ذکر کردیم که مصداق های اسراف و تبذیر دارد گرچه مسجد است، معماری اسلامی بنامیم؟ ممکن است این بنا از دید یک بیگانه نسبت به احکام و دستورهای اسلامی، معماری اسلامی باشد ولی یقیناً از دید یک کارشناس آگاه به مسائل دینی و دارای تخصص های فنی و علمی این بنا هرگز معماری اسلامی نخواهد بود. این بنا می تواند به عنوان یک اثر معماری در یکی از ادوار اسلامی حتی در دورهٔ نظام جمهوری اسلامی محسوب شود ولی نه به عنوان معماری اسلامی!!

در آیهٔ ۲۸ سورهٔ غافر چنین آمده است: « ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب » یعنی خداوند مردم مسرف دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد. به عبارت دیگر چون عاقبت کار شخص مسرف تکذیب آیات و نشانه های الهی خواهد بود، هرگز خداوند او را هدایت نمی کند. چنین شخصی جامعه را به فساد و تباهی خواهد کشاند و اوست که با کار مسرفانهٔ خود کسانی را که می خواهند راه درست را بروند اغوا می کند. مبذرین اخوان شیطان هستند و اسراف مقدمهٔ تبذیر است. پس اسراف هم یکی از اغواهای شیطانی است که جز گمراهی و ضلالت حاصل دیگری ندارد.

مسرف کذاب در خلق فضای معماری چگونه اغوا می کند؟ روشن است؛ شخص مسرف چون می خواهد مردم را اغوا کند با دست زدن به عمل اسرافکارانه و تبذیر، حقایق علمی و فنی و اقتصادی را کتمان می کند؛ و با عمل مسرفانهٔ خود ثبات اجتماعی و اقتصادی جامعه را به هم می ریزند؛ یعنی هم تنگنا به وجود می آورد و هم مردم را نسبت به نظام بدبین می کند؛ و بجاست که از او به عنوان کذاب نام برده شود؛ کذابی که خداوند هرگز او را هدایت نخواهد کرد. متأسفانه نمونه های زیادی از این عمل اسرافکارانه را در ساختمان ها و فضاهای ایجاد شده به عنوان معماری مدرن می بینیم که سعی شده است نظر بیننده را به خود جلب کند؛ آن هم در نظام اسلامی که این همه سفارش به پرهیز از اسراف و تبذیر شده است.

درآیهٔ ۱۲ سورهٔ یونس آمده است: « کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون » یعنی بدین سان اعمال انسان در نظرش زیبا جلوه می کند. این آیه برای ما بسیار قابل دقت است. بسیاری از افرادی که دست به کار مسرفانه می زنند مخصوصاً در ساخت و سازها و ایجاد فضاهای شهری و معماری آنچنان غرق در اسرافکاری می شوند و آنچنان امر بر آنها مشتبه می شود که واقعاً کارشان به نظرشان زیبا می آید. اسرافکاری های شخص مسرف به علت عدم آگاهی های فنی و علمی و دینی و عدم تعهد و التزام عملی به دستورهای اسلامی زیبا جلوه

می کند. در صورتی که چنین شخصی ضمن اینکه دیگران را گمراه می کند سخت در گمراهی است. در آیهٔ ٢٤ از سورهٔ غافر آمده است: « کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب » یعنی بدین سان گمراه می کند خداوند مسرف شکاک را. به عبارتی می توان گفت کسی که به علت شک و تردید نسبت به اعمال صالح و درست، عمل مسرفانه اش زیبا جلوه می کند هیچ وقت به فکر اصلاح خود برنخواهد آمد و تأیید اعمال او از طرف عوام باعث ادامهٔ کارش خواهد بود. لذا شخص مسرف به جایی می رسد که دیگر راهی برای بازگشت نخواهد داشت و واقعاً در گمراهی قرار خواهد گرفت. وای به حال جامعه ای که در برنامه ریزی های عمرانی و اقتصادی اش چنین افراد مسرفی دخالت داشته باشند. طبیعی است ضمن اینکه هرگز موفق نخواهیم شد یک اثر عمرانی اسلامی از خود به جا بگذاریم، جامعه را هم با تورم نارضایتی روبرو خواهیم کرد. خیلی از اسرافکاری های برنامه ریزان ما سبب می شود که فشار تنظیم بودجه اجباراً به مردم منتقل شود. زیرا با درآمد نفتی به علت محدودیت حجم تولید و قیمت بازار کاری نمی شود کرد؛ تنها چیزی که می ماند پروژه هایی است که اسراف و تبذیر مسرفان در آن به وضوح دیده می شود. چنانچه با آنها برخورد جدی نشود برای انجام چنین پروژه هایی فقط یک راه وجود دارد و آن اخذ عوارض و مالیات بیشتر و درنتیجه تورم و نارضایتی و تهدید نظام است، پس ملاحظه می شود که اسراف و تبذیر چه ضربهٔ سنگینی به نظام مقدس ما وارد می کند؛ و اگر خدای نکرده بر خلاف دستور قرآن که در آیهٔ١٥١ سورهٔ شعرا می فرماید « و لا تطیوا امر المسرفین » اوامر مسرفین را اطاعت کردیم بدانیم که همراه با مسرفین طبق آیهٔ٤٣ از سورهٔ غافر اهل آتش هستیم و بر طبق آیهٔ ٩ از سورهٔ انبیاء سرنوشتی جز هلاکت و نابودی نداریم؛ همان طوری که فرعونیان در طول تاریخ به چنین سرنوشتی دچار شد.

علت هلاکت فرعون چه بود؟ علت از آیهٔ ٨٢ از سورهٔ یونس مشخص می شود: « ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین » یعنی فرعون آدمی بود که دنبال برتری جویی و تجمل پرستی های کاذب بود. بدیهی است چنین آدمی جز از طریق اسراف و تبذیر به اهداف خود نخواهد رسید. لذا می بینیم برتری جویی و اسراف و تبذیر و کافر شدن مترادف یکدیگر است. نتیجهٔ کار فرعون کافر شدن بود و نتیجهٔ کفر و شرک هم هلاکت است.

البته همان طوری که در آیهٔ ١٢ از سورهٔ یونس آمده است گاهی آدم مسرف آنچنان غرق در اسراف و تبذیر می شود که خودش نمی فهمد و خیال می کند که کار درستی انجام

می دهد. « کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون ». شاید معمار یا به اصطلاح آرشیتکتی که مسئولیت طراحی و انجام ساختمان را به عهده گرفته است خودش نفهمد که دارد اسراف می کند ولی عملش از دید افراد کارشناس متعهد و متخصص صد در صد اسرافکاری است که زیان آن متوجهٔ جامعه می شود. ولی در جایی دیگر همان معمار و یا آرشیتکت مانند شیطان عمل می کند.

« لازینن لهم فی الارض و لا غوینهم اجمعین » ( آیه ۲۹ سورهٔ حجر ) گاهی معمار و یا آرشیتکت شیطان صفت خودش می داند که کار مسرفانه انجام می دهد ولی چون قصد اغوا و گمراهی مردم را دارد دست به این کار می زند. طبق آیات بعدی سورهٔ حجر تنها بنده های خالص خدا هستند که گول اغوای شیطان را نمی خورند وگرنه عامهٔ مردم در خطر گمراهی هستند. اینجاست که تمیز معماری اسلامی از غیراسلامی برای جامعه بسیار مشکل می شود. توصیه می شود برادران متعهد و متخصص و کارشناس امور فنی و معماری آیات بسیاری را که در قرآن کریم در رابطه با منع اسراف و تبذیر آمده است مطالعه کنند تا در فضاهایی که به عنوان کالبد معماری ایجاد می کنند قالبین به وجود آورند که مبتنی بر محتوای اسلامی باشد.